



3 فبروری 2023

داکتر سید عبدالله کاظم

نقش امریکا در سقوط نظام جمهوری در افغانستان

(قسمت دوم و آخر)

رسیدن طالبان در دروازه های شهر کابل:

در آستانه رسیدن طالبان به دروازه های شهر کابل فکر می شد که طالبان برای چند ماه از ورود به کابل اجتناب نمایند تا در طی آن مدت برای آینده خود ترتیبات لازم را رویدست گیرند و نیز امریکا بتواند با همین فرصت تا تاریخ 31 ماه اگست آخرین قوای نظامی خود را به راحتی از افغانستان بیرون کند، اما فرار غیرمترقب اشرف غنی رئیس جمهور با معاونان و دستیارانش به خارج در عین روز (15 اگست) صحنه را به یکبارگی تغییر داد و طالبان ناگزیر شدند بدون آمادگی قبلی داخل شهر کابل شوند. هنوز خروج کامل قوای امریکائی و ناتو به پایان نرسیده بود که دو معضله دیگر موجب نگرانی و عجله امریکا و ناتو گردید: یکی خروج تمام اتباع آنها از افغانستان به شمول قراردادی ها و افغانهای که با قوای آنها در طول سالها همکاری کرده بودند و دیگر تصفیه اسناد مهم سفارتخانه های شان که نباید بدست طالبان برسد. روی این ضرورت عاجل امریکا تصمیم گرفت به تعداد 5000 نیروی نظامی خود را دوباره به افغانستان اعزام و آنها را در میدان هوای بین المللی کابل جهت تنظیم امور مربوطه توظیف نماید.

پس از ورود طالبان به کابل، هجوم ناگهانی هزارها افغان به منظور خارج شدن از کشور به میدان هوایی کابل و بخصوص رویداد تاریخی دویدن مردم در پیشاپیش طیاره نظامی امریکا که در حال حرکت به مقصد پرواز بود و تعداد خود را به بدنه طیاره آویزان کرده بودند، تراژیدی بزرگی را بار آورد که در اثر آن چند نفر در این حادثه جان خود را از دست دادند. این رویداد توجه دنیا را به خود جلب کرد و در امریکا حربه برنده را بدست رقبای رئیس جمهور بایدن یعنی جناح جمهوریخواه سپرد و آنها این موضوع را دال بر بی کفایتی بایدن عنوان کردند و حتی خواهان استعفای او از مقام ریاست جمهوری شدند، چنان که در اثر آن از محبوبیت رئیس جمهور بایدن در حدود 8 فیصد کاسته شد.

طالبان نیز در اینحال با وضع نا به سامان مواجه شدند که تا هنوز نمیدانستند چه کنند. در این دو هفته که گذشت، اوضاع افغانستان بخصوص در شهر کابل به حدی مغلق و پیچیده شده است که هیچکس نمیداند این کشور به کدام سو کشانیده خواهد شد. تنها چیزیکه در شهر کابل مایه امیدواری است، همانا حفظ امنیت نسبی میباشد، ولی مردم از آینده بسیار در هراس اند و هریک در تلاش است هرچه زودتر و به هر وسیله ای ممکن وطن را ترک نماید، با آنکه هریک میدانند که اینکار با خطرات زیاد توأم است، خاصتاً بسته بودن راه های فرار و ایجاد موانع و مشکلات برای مهاجرت آنها در کشورهای همسایه و نیز مشکلات رسیدن از ایران و ترکیه به کشورهای اروپائی، با آنهم آنها در تلاش بیرون شدن از کشور حتی به قیمت جان خود حاضر میباشند. این چندمین بار است که سیل مهاجرت افغانها بخصوص طبقه جوان و اکنون بیشتر تحصیل کرده ها که محصول دو دهه زحمت و تلاش برای تعلیم و تحصیل مسلکی بوده است، روانه خارج شده و این بزرگترین صدمه در پیکر سرمایه های بشری و نیروی مسلکی کشور خواهد بود که جبران آن بسیار مشکل میباشد.

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

عکس العمل فوری داعش در برابر طالبان و امریکا:

هنوز بحران خروج قوای خارجی و هجوم افغانها در میدان هوایی کابل در اوج خود قرار داشت که حادثه دو انفجار انتحاری در آن میدان بتاريخ 26 اگست (4 سنبله) به وقوع پیوست و موجب کشته و زخمی شدن صدها افغان اعم از زن و مرد و طفل به شمول 13 سرباز امریکائی گردید. مسئولیت این حادثه را همان روز داعش بعهده گرفت که در اثر آن اوضاع فوراً یک بُعد خطیر دیگر پیدا کرد. تا قبل از وقوع این حادثه خونبار کمتر درباره داعش و نقش فعال و عکس العمل فوری آنها در ارتباط با سلطه طالبان در افغانستان بحث صورت میگرفت، اما پس از آن توجه جهان به فعالیت داعش شعبه خراسان بیشتر معطوف شد. دلیل عکس العمل فوری داعش در مقابل عروج آنی طالبان به قدرت همانا برمیکردن به هدف اصلی امریکا که بر مبنای دو دلیل استوار بود: یکی آنکه امریکا میخواست طالبان را از چنگ رقبا بخصوص روسیه و چین بیرون کند و آنها را به نحوی به خود ملحق سازد و دیگر استفاده از قوای طالبان به مقصد مبارزه علیه داعش در افغانستان که قبلاً زیر نام "صلح" در دوحه با مدیریت خلیزاد روی آن کار شده بود و به همین دلیل داعش با اجرای عملیات انتحاری بصورت فوری داخل اقدام شد و حضور فعال خود را در معضله افغانستان به حیث یک قدرت رقیب با طالبان و امریکا به منصه ظهور رسانید.

اما اکنون این سؤال مطرح است که آیا بین طالبان و داعش چنان فاصله فکری وجود دارد که طالبان به مقابل داعش داخل جنگ و مبارزه شوند و یا اینکه بر عکس طالبان و قسمتی از آنها با داعش در ارتباط نزدیک میباشند و اگر تعدادی از طالبان بخواهند با داعش درگیر شوند، دو دستگی آنها ممکن است به نفع داعش تمام شود و احتمال دارد یک قسمت طالبان، جانب داعش را بگیرند، آنوقت به اصطلاح عوام: "هم کله خواهد رفت و هم سله!"

در این ارتباط احتمال قوی وجود دارد که با استحکام قدرت طالبان در افغانستان زمینه فعالیت های تخریبی داعش به آسانی مساعد گردد تا آنها زیر سایه طالبان و حتی به لباس و نام طالبان به شدت به عملیات علنی و زیرزمینی خود بیفزایند. در اینجا سؤال میشود که آیا مقامات امریکائی نمیدانستند که با خروج عجلانه از افغانستان و رشد طالبان زمینه عروج داعش، همانطوریکه در عراق رخ داد، در افغانستان نیز تکرار خواهد شد؟ اگر به دقت نگریسته شود، فرق بین طالب و داعش زیاد نیست و آنها میتوانند با تبدیل کردن رنگ دستارهای خویش از سیاه به سفید و یا بر عکس یکی در جلد دیگر داخل شوند، در حالیکه گوشت و استخوان شان در افراطیت دینی یکی است. با این حال بعید از امکان نیست که امارت اسلامی دیر یا زود به پرورشگاه و لانه تروریست هایی آماده به پیکار مبدل شود و امریکا از کنترل وضع، چنانچه بین سالهای 1995 تا 2001 نتوانست بدنه القاعده را از طالبان جدا سازد و در نتیجه حادثه 9/11 به وقوع پیوست، باز هم عاجز بماند و این بار با گروه داعش خراسان روبرو گردد و با این ترتیب تاریخ بار دیگر تکرار خواهد شد.

تقسیم طالبان به دو دسته: یکی گروه حقانی و دیگر گروه شورای کویته این واقعیت را آشکار می سازد که گروه حقانی روابط نزدیک با گروه داعش شعبه خراسان دارد و به همین دلیل رقابت جدی برای کسب قدرت بین آنها همین حالا در کابل در جریان است. لذا بازی با طالبان کار ساده نیست و وقتی آنها پای خود را در قدرت محکم کنند، آنوقت راه خود را پیش میگیرند و اینکه گفته میشود، طالبان تغییر کرده اند، یک خوشباوری است. ملایمت نسبی آنها اکنون فقط برای کمائی کردن وقت و بدست آوردن شناسائی رسمی نظام شان از طرف کشورهای جهان است و در این راستا کشور حامی

شان یعنی پاکستان از همین حالا داخل اقدام بوده و اراکین آن کشور به همین منظور آماده ساختن زمینه به سفرها خود به کشورهای همسایه و فراتر از آن ادامه میدهند.

پاکستان چه میخواهد؟

قابل ذکر است که ستراتیژی دیرینه پاکستان در افغانستان که از دیرزمان تا اکنون پابرجاست، به قول جنرال ضیاالحق برچهار اصل ذیل استوار میباشد؛ جنرال ضیاء الحق سالها قبل به صراحت بیان کرده بود که:

- 1- پاکستان بخود حق میدهد برای افغانستان تعیین رژیم کند، رژیمی که با پاکستان دوست باشد؛
- 2- این رژیم باید ادعای ارضی با پاکستان نداشته باشد یعنی معاهده دیورند را به رسمیت بشناسد؛
- 3- حکومت افغانستان باید یک حکومت «واقعا» اسلامی باشد؛
- 4- رژیم مطلوبه در افغانستان باید زمینه دسترسی پاکستان را به کشورهای آسیای میانه مساعد سازد. (برای شرح مزید دیده شود: هریسن، سلیک و کوردوویز، دیگو - "حقایق پشت پرده تهاجم شوروی بر افغانستان"، ترجمه - عبدالجبار ثابت، چاپ دوم، مرکز نشراتی میوند، پشاور 1377، صفحه 186)

حکومت پاکستان و ISI برای نیل به اهداف فوق همیشه کوشیده اند قدرت و توانائی ملی افغانستان را به اشکال و ذرایع مختلف تضعیف کنند تا یک رژیم دست نگر و مطیع خود را در افغانستان به وجود آورند. نخست آنها برای این هدف دنبال حکمتیار را گرفتند، ولی حکمتیار با وجود جنگهای خونین، موفقیت لازم را در افغانستان بدست آورده نتوانست و نیز تنش بین امریکا و پاکستان در مورد قدرت رسانیدن او بیشتر گردید، لذا پاکستان که دچار رقابت های شدید در رابطه به دسترسی به بازارهای آسیای میانه با ایران بود، ناگزیر بدیل دیگر را به همکاری و تفاهم و حمایت امریکا برای این هدف در میدان جنگ قدرت در افغانستان به حرکت انداخت که این بدیل همانا حرکت «طالبان» بود که به سرکردگی یک ملای کم شهرت بنام «ملا محمد عمر آخوند» از ولسوالی میوند ولایت قندهار نخست با یک گروه کوچک در عرصه نظامی و بعداً سیاسی افغانستان وارد عمل شد. اکنون پس از بیست سال مقامات پاکستانی کوشیدند تا با قدرت رسانیدن مجدد طالبان در افغانستان شخص دیگری را بنام مولوی هیبت الله آخوندزاده رویکار آورد تا به همان هدف اولی خود که فوقاً تذکار رفت، نیل آیند. متأسفانه هر دو بار مقامات امریکائی در این راستا به نفع پاکستان و به ضرر ملت مظلوم افغانستان زمینه سازی کرده اند که هنوز هم این بازی خطرناک در حال تداوم است. بحث در این موضوع طولانی است و جوانب مختلف دارد که بررسی آن در این مقاله گنجایش ندارد.

تفاهم و توافق در دوحه دو روز قبل از سقوط کابل:

یک گزارش مهم که در تعدادی از رسانه های جمعی به نشر رسیده مشعر است که: «عبدالله عبدالله بعد از سفر سه روزه و مذاکرات فشرده و چند جانبه در دوحه، با این پیام و درخواست از قطر به کابل برگشت تا در همراهی و همکاری برخی از بزرگان سیاسی کابل نشین، از اشرف غنی بخواهد تا به هیئت افغانی که وی ریاستش را بعهده دارد، در مورد توافق نامه صلح که به آتش بس و تشکیل حکومت انتقالی می انجامد، صلاحیت بدهد. در صورت موافقت غنی به کنار رفتن از قدرت، توافقنامه ای که چارچوب و نقشه کلی مسیر آینده را روشن می سازد، به امضاء خواهد رسید که اجرایی شدن آن مستلزم استعفای رسمی غنی و اعلان آتش بس و توقف پیشروی های نگران کننده طالبان خواهد بود که این طرح مورد تأیید امریکا، انگلیس، اتحادیه اروپا، کشور های ذیدخل منطقه و همسایگان افغانستان است.»

د پانو شمیره: له 3 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

در این گزارش آمده است که: «اطلاعات دقیق از ارگ می‌رساند که بعد از رأی‌زنی های متعدد، شام روز جمعه {13 اگست} داکتر غنی در حلقه محدودی، موافقت خود را مبنی بر استعفای مشروط به عبدالله اعلان نموده و عبدالله نیز سریعاً عازم قطر گردیده تا این پیام مهم را به گوش نماینده گان جهان و طالبان برساند. گفتنی است اینکه در حاشیه این تصمیم و اقدام احتمالی، بر مصلحت خروج امرالله صالح معاون آشتی ناپذیر ارگ با طالبان، از افغانستان و سبکدوشی حمدالله محب نیز تأکید صورت گرفته و قرار است بزودی موضوعات فوق توسط شخص رئیس جمهور رسانه ای شود.»

در ادامه گزارش آمده است که: «بعد از اعلان رئیس جمهور غنی برنامه های ذیل که در دوحه توافق شده و به زودی تطبیق میگردد :

- 1 - داکتر غنی از قدرت کنار می رود .
- 2 - صالح کشور را ترک میکند .
- 3 - فعلا در ارگ بالای یک فهرست از مقام های فعلی برای اخراج از افغانستان بشدت کار می شود، مانند: محب، وزرا، معاونین و اکثر مدیران و مقام های ارشد دولتی .
- 4 - آتش بس 6 ماهه در بدل حمایت مالی امریکا اعلان می شود .
- 5 - ساختار سیستم موجود برای عرضه خدمات عامه حفظ می شود .
- 6 - طالبان حکومت موقت را تحت رژیم فعلی رهبری خواهند کرد .
- 7 - جنگسالاران مانند اکثر رهبران جهادی و سیاسی تحت توافق در امان خواهند بود اما هیچ نقشی در حکومت نخواهند داشت .
- 8 - عبدالله در حکومت موقت هیچ نقش رسمی نخواهد داشت بلکه نقش میانجیگری فعال خواهد داشت .
- 9 - در کابل جنگ نمی شود، طالبان در این باره توافق کرده است .
- 10 - رهبری طالبان تا چند روز دیگر وارد کابل می شود، ممکن است ملا برادر یا استانکزی باشد .
- 11 - به زودی به ریاست ملا هیبت الله یک لویه جرگه در قندهار برگزار می شود .
- 12 - طالبان با حفظ ساختار فعلی نیروهای امنیتی فعلا موافقت کرده اند .
- 13 - ورود نظامیان امریکا / انگلیس دوباره به کابل، برای تسهیل انتقال قدرت انجام می شود .
- 14 - چین، ایران و روسیه اول تر از همه دولت جدید را به رسمیت می شناسند.» (دیده شود: نورالدی آذر، بی بی سی مورخ 14 اگست 2021 ، اعلامیه فوق بوسیله صدیقه واین گارتتر و نیز جلیل غنی قسماً باز نشر گردیده است)

چرا اشرف غنی بدون اعلام استعفی به خارج فرار کرد؟

فشارهای آشکار و نهان امریکا در دوره ترامپ و ادامه آن در دوره بایدن بر دولت افغانستان تا سرحد اجبار به استعفی رئیس جمهور غنی و ایجاد حکومت انتقالی که صریحاً مغایر با قانون اساسی نافذ کشور بود از یکطرف و تعیین دقیق تاریخ خروج قوای امریکائی و ناتو در 31 اگست از طرف دیگر، دولت افغانستان و بخصوص شخص اشرف غنی را در یک موقعیت دشوار سیاسی قرار داد. اشرف غنی در مکالمه تلفونی با بایدن که بتاريخ 23 جولای یعنی یکماه قبل از سقوط کابل بدست طالبان صورت گرفت، به صراحت به مشکل اساسی افغانستان اشاره کرد و گفت: «ما با اشغال تمام عیار توسط نیروهای متشکل از طالبان، برنامه ریزی عملیاتی و تدارکاتی پاکستان و دست کم پانزده هزار تروریست بین المللی، عمدتاً پاکستانی، مواجهیم و لازم است این جنبه از موضوع نیز در نظر گرفته شود.» ولی بایدن به این نکته مهم توجه نکرد و راه خود را ادامه داد.

د پانو شمیره: له 4 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

اشرف غنی با آنکه از سالها قبل دست پرورده امریکا بود، اما با وارد شدن این فشارها در برابرخواست امریکا مقاومت کرد، تا آنکه پیشرفت سریع و برق آسای طالبان را در ولایات و شهرهای بزرگ کشور بدون مقاومت اردو و ادارات محل شاهد و ناظر شد، بخصوص وقتیکه دید طالبان در دروازه های کابل رسیده اند، برایش فقط دو امکان وجود داشت: یکی اینکه در کابل به مقابل طالبان به مقاومت نظامی بپردازد، طوریکه به بلینکن وزیر خارجه امریکا یک روز قبل وعده داده و گفته بود که: «تا آخرین گلوله با طالبان خواهد جنگید» و یا اینکه مجبور به فرار و ترک وطن شود.

امکان اول الذکر به دلیل از هم پاشیدگی اردو و عدم توانائی مقاومت لازم در برابر طالبان از یکطرف و نیز خطر ویرانی و تلفات انسانی ناشی از مقاومت و جنگ از طرف دیگر و درعین زمان در صورت شکست قوای دولت در جنگ و اشغال کابل پس از جنگ احتمال کشته شدن و یا اسیر شدن اشرف غنی بدست طالبان مثل داکتر نجیب متصور بود و در نتیجه این شکست و اعدام غنی، موضوع خلای قدرت مطرح میگردد که از آنطریق زمینه قانونی کسب مشروعیت را برای رژیم طالبان فراهم می ساخت. هرگاه اشرف غنی در همان موقع رسماً از ریاست جمهوری استعفی میداد سپس ترک وطن میکرد، با جانشینی معاون اول ریاست جمهوری امرالله صالح (برطبق ماده 67 قانون اساسی) که سخت مخالف طالبان و پاکستان بود، احتمال ادامه جنگ با طالبان متصور بود و نتیجه آن جز ویرانی و خونریزی چیزی دیگر بوده نمیتوانست. لذا اشرف غنی تصمیم گرفت فرار را بر قرار ترجیح دهد و وطن را در همان روز 15 آگست ترک کند. اینجاست که او با اینکار توانست موقف قانونی خود را به حیث رئیس جمهوری فراری در خارج کشور حفظ نماید و از خلای قدرت که وسیله مشروعیت بخشیدن به رژیم طالبان می شد، قانوناً جلوگیری کند.

علاوتاً فرار غیرمترقب اشرف غنی به خارج موجب شد تا دو رویداد مهم دیگر نیز همزمان پدید آید: یکی ناگزیر شدن طالبان بدون آمادگی قبلی برای ورود به کابل، زیرا آنها با توافق امریکا در نظر داشتند تا برای مدتی یکی دوماه و یا بیشتر در حواشی کابل مستقر شوند و برای آینده خود آمادگی لازم بگیرند و دیگر امریکائی ها و ناتو در عین زمان میتوانستند با خاطر آسوده به اكمال مراحل خروج قوای نظامی و همکاران افغانی خود از افغانستان در موقع معینه بدون کدام مشکل بپردازند. فرار اشرف غنی این دو موضوع را که قبلاً پلان شده بود، دفعتاً با یک سردرگمی عظیم هم برای طالبان و هم برای امریکا ایجاد کرد. فرار اشرف غنی در واقع سیلی محکمی بود که به روی اداره بایدن و طالبان خورد و هر دو را با یک وضع حساس و غیرمترقب در افغانستان رو برو ساخت و به گفته بعضی ها انتقام فشارهای وارده را از هردو گرفت. چنانچه موضوع هجوم آتی هزارها نفر به میدان هوائی کابل برای خروج از کشور نه تنها برای امریکائی ها و ناتو درد سر بزرگ ایجاد کرد و منتج به انتقادات وسیع در امریکا علیه رئیس جمهور بایدن گردید، بلکه هجوم وسیع مردم به مقصد ترک وطن در حقیقت نشانه ای از نارضایتی مردم از تسلط طالبان پنداشته شد. همچنان عکس العمل مردم در برابر بیرق طالبان و دفاع از بیرق سه رنگ ملی در بسیاری نقاط افغانستان به این نارضایتی وجه یک اعتراض مدنی را علیه طالبان بار آورد. در این میان حادثه انفجار انتحاری مرگبار روز 26 آگست در میدان هوائی کابل که در اثر آن صدها تن کشته و زخمی شدند و مسئولیت آنرا داعش بعهده گرفت، رویداد مهم دیگری بود که طالبان و جامعه جهانی را سخت تکان داد و از روی این واقعیت تلخ پرده برداشت که با خروج عاجل قوای امریکائی و ناتو و همزمان با پخش سلطه طالبان، افغانستان بار دیگر به عقب برگشته و دست آوردهای نسبی بیست ساله کشور در ساحات مختلف که با مصارف گزاف و ریختن خونهای زیاد به وجود آمده بود، به یکبارگی ضرب صفر شده از بین خواهد رفت.

د پانو شمیره: له 5 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

قضایوت در داخل و خارج کشور درباره فرار اشرف غنی متفاوت است: بعضی ها اینکار را خیانت به مردم و وطن میدانند و آنرا عامل سقوط کابل بدست طالبان می پندارند و اما بعضی دیگر فرار غیر مترقب او را یک چلنج سیاسی و یک عکس العمل به مقابل فشارهای وارده از جانب امریکا مبنی برکنار زدنش از قدرت تعبیر میکنند و نیز مواجه ساختن فوری طالبان بدون آمادگی لازم غرض ورود به کابل. اما خودش دلیل خروج خود را از کابل همانا جلوگیری از تقابل نظامی با طالبان بیان میدارد تا موجب خونریزی و ویرانی در شهر نگردد. بعضی مقامات امریکائی به شمول رئیس جمهور بایدن از فرار غنی سخت متأثر و براو انتقاد میکنند، زیرا فرار او پلانهای مطرحه خلیل زاد و امریکا را یکدم برهم زد. آنها میخواستند اشرف غنی در کابل بماند و طبق فیصله دوحه به نفع تشکیل یک حکومت انتقالی که در راس آن طالبان و در بدنه آن یک تعداد از جمله کسانیکه به این مقصد به دستبوسی عمران خان به پاکستان رفته بودند، از مقام ریاست جمهوری استعفی دهد و آنوقت قوای امریکائی گویا با برقراری صلح و در کمال آرامش موفقانه افغانستان را ترک گویند. اما فرار اشرف غنی این رویا را بیک کابوس تبدیل کرد که همه شاهد آن در میدان هوائی کابل بوده ایم.

هنوز از فرار اشرف غنی به خارج یکی دو روزی نگذشته بود که این شایعه از طریق منابع خبری روسیه بدون ارائه سند انتشار یافت که گویا غنی حین فرار مبلغ 169 میلیون دالر را با خود به بیرون کشور برده است. سپس بعضی از مقامات امریکائی نیز با رنجش خاطری که از غنی به دلیل فرار غیر مترقبش داشتند، اعلام کردند که باید این ادعا قانوناً بررسی شود و در صورت صحت باید مبلغ مذکور بازگشت گردد و غنی مورد محاکمه قرار گیرد. واقعاً تعقیب قانونی این موضوع بسیار بجا و لازم است تا صحت و سقم این ادعا ثابت شود و سیاه از سفید جدا گردد. اما اگر منطقاً دیده شود، انتقال مبلغ مذکور در یک حالت اضطرار کار ساده نیست که بوسیله یک هلیکوپتر با تعداد چند از همراهان غنی نخست به ازبکستان و سپس به طیاره عادی به قطر صورت گیرد. 169 میلیون دالر را اگر در هر بسته ده هزاری از نونهای صد دالره تقسیم کنیم، جمعاً 16900 بسته میشود و انتقال این مقدار بانکنوت دالردر چند بکس ممکن نیست. (والله اعلم)

ابهام در مورد سرنوشت اسلحه بازمانده امریکائی در افغانستان:

بی بی سی به نقل قول از گزارش مفتش خاص باز سازی افغانستان (سیگار) معلومات ذیل را این مورد به نشر سپرده است: نیروی هوایی افغانستان تا پایان جولای سال جاری 167 فروند طیاره وهلی کوپتر داشت. مشخص نیست که چه تعداد از آن به دست طالبان افتاده است. براساس یک منبع تحقیقاتی در دهلی و برویت چند عکس ماهواره فضائی، شش روز پس از سقوط کابل بدست طالبان موجودیت دو فروند هلی کوپتر می-17، دو فروند بلک هاک (یو اچ-60) و یک هلی کوپتر دیگر که ممکن است از همان نوع یو اچ-60 باشد، در میدان هوائی قندهار به مشاهده میرسد، درحالیکه در یک تصویر دیگر از آنجا که بتاريخ 16 جولای گرفته شده است، به تعداد 16 فروند طیاره را نشان میدهد. علت اختلاف در تعداد طیاره های موجود این است که آنها یا از کشور بیرون برده شده یا اینکه از پایگاه هوایی خارج شده اند. طالبان 9 پایگاه هوایی دیگر از جمله در هرات، خوست، قندوز و مزار شریف را تصرف کرده اند که به دلیل نبود تصاویر ماهواره ای مشخص نیست چه تعداد طیاره ها در این پایگاه های بوده اند. بعضی می گویند که تعدادی از طیارات موجود در این پایگاه ها، قبل از رسیدن طالبان از کشور خارج شده بودند. تحلیل تصاویر ماهواره ای از میدان هوائی ترمذ در ازبکستان نشان می دهد که بیش از 24 فروند طیاره در آنجا به نظر میخورد که به عقیده کارشناسان مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی در واشنگتن احتمال دارد این ها متعلق به نیروی هوایی افغانستان بوده باشند.

د پانو شمیره: له 6 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

طبق گزارش دولت آمریکا، بین سال های 2003 تا 2016، این کشور مقدار زیادی وسایل ثقیله نظامی را در اختیار نیروهای افغان قرار داد از جمله: 358530 قبضه سلاح از انواع مختلف که بیش از 64 هزار قبضه ماشیندار، بیش از 25 هزار بمب انداز (خمپاره انداز) و بیش از 22 هزار هاموی در آن شامل بودند. در سال 2017 بیش از 20 هزار تفنگ ام - 16 و از سال 2017 تا 2021 جمعاً 3598 میل تفنگ ام 4 و 3012 هاموی دیگر در اختیار قوای نظامی افغانستان قرار داده شد. (برای شرح مزید دیده شود: "کدام تسلیحات نظامی آمریکایی به دست طالبان افتاده است؟" - بی بی سی - وبسایت فارسی/دری، 8 سنبله 1400 مطابق 30 آگست 2021)

مقامات امریکائی اکنون نگران اند که: در نتیجه تسلط طالبان بر افغانستان، به ارزش میلیاردها دلار اسلحه و تجهیزات نظامی آمریکایی که در اختیار اردوی افغانستان گذاشته شده بود، حالا تحت کنترل طالبان درآمده است. اما در هر ج و مرج جاری در افغانستان، هنوز برای مقامهای امریکائی مشخص نیست که چقدر از این سلاحها و تجهیزات حالا در اختیار طالبان است و چقدر آنها در گوشه و کنار افغانستان در دست دیگران قرار دارد. همین مساله باعث نگرانی هایی در مورد ایجاد یک بازار اسلحه در منطقه و دسترسی گروههای شورشی و تروریستی به این تسلیحات پیشرفته شده است. بعضی مقامهای امریکایی همچنین نگران بهره گیری طالبان از این تجهیزات برای اقدامات خشونت آمیز هستند و یک نگرانی دیگر آنها هم دستیابی چین و روسیه به تسلیحات پیشرفته امریکائی است.

اکنون که قوای خارجی افغانستان را ترک کرده است، وظیفه طالبان است تا از موجودیت انواع مختلف سلاح های بازمانده از قوای خارجی معلومات دهند تا دیده شود که از جمله سلاح مذکور چه تعداد نزد آنها است و چه تعداد به جا های دیگر در داخل و خارج کشور انتقال یافته اند. گفته میشود یک قسمت سلاح ها چند روز قبل از سقوط کابل به دره پنجشیر منتقل شده بودند. علاوه بر بعضی عکسها و ویدیوها که اخیراً در رسانه ها جمعی به نشر رسیده نشان میدهد یک تعداد هاموی ها و وسایل نقلیه زرهی به لاریها بار شده و معلوم نیست به کدام طرف برده میشوند، به نظر بعضی ها بطرف پاکستان. علاوه بر اطلاعات تازه بعد از خروج قوای امریکائی از میدان هوایی کابل میسرساند که طالبان با دیدن بعضی از طیاره ها و هلی کوپترهای غیرفعال و تخریب شده شکایت کرده و آنها را یکنوع فریبکاری در برابر خویش میدانند.

عکس العمل در امریکا:

جای شک نیست که مردم امریکا بطورکل از ادامه جنگ طی دو دهه در افغانستان با تلفات بیش از 2500 جوان و زخمی شدن تعداد کثیر عساکر امریکائی و صرف میلیاردها دالر در این مدت با ادامه جنگ موافق نبودند و اکثریت مردم پایان آنها به منافع ملی خود میدانستند. افغانها در راستای این همکاری از دولت و مردم امریکا مبنی بر حمایت ایشان کمال امتنان دارند و امریکا را یک کشور دوست خود می شمارند. امریکا بر طبق منافع ملی خود همانطوریکه بیست قبل به افغانستان قوا فرستاد و طالبان را سقوط داد، حق دارد یک روزی تصمیم به خروج قوای خود از آن کشور بگیرد و هیچکس حق ندارد مانع اینکار شود. ولی بسا نکات دیگر است که بعضی ها همکاری و کمک های امریکا را به افغانستان زیر بررسی منتقدانه قرار میدهند که بیشتر آن ناشی از نحوه اجرای نامناسب این کمک ها مغایر بر مقتضیات افغانستان بود و اجرای آن از طرف امریکا توصیه و حتی دیکته شده بود و به همین دلیل بجای آنکه در بهبود اوضاع افغانستان منتج شوند، برعکس نتایج منفی را به خصوص در ایجاد انواع فساد و سویی استفاده های شخصی و گروهی بار آوردند که منجر به بحران دوامدار در این کشور گردید که البته بحث بر جزئیات این موضوع ایجاب یک نوشته جداگانه را مینماید. (پایان)

د پانو شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

(مختصرنوشته اینجانب تحت عنوان "امریکا بار دیگر اشتباه بزرگ را در افغانستان تکرار کرد!" که متن مکمل آن در روزهای 30 و 31 اگست و دوم و چهارم سپتمبر 2021 مقارن به سقوط نظام جمهوری اسلامی و ورود طالبان به کابل و سپس خروج قوای امریکائی و ناتو از افغانستان در چهار قسمت در وبسایت افغان جرمن آنلاین به نشر رسیده بود، اینک در ارتباط با کتاب خاطرات مایک پمپو وزیر خارجه اسبق امریکا و تلاشهای جمهوریخواهان برای بازنگری خروج قوا از افغانستان و وارد کردن مسئولیت آن به رئیس جمهور بایدن که در این روزها سرزبان ها افتاده است، جهت مزید معلومات راجع به سوابق موضوع خدمت تقدیم گردید. امید است مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد. با ارادت - داکتر سید عبدالله کاظم)

د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ